

حقوق العباد

(قسمت سوم)

محمد قاسم قاسمی
استاد دارالعلوم زاهدان

بر مردان لازم است که نوبت شب‌گزاری در خانه همسران را رعایت نمایند و بدون عذر موجه در نوبت یک همسر در خانه دیگری شب نگذرانند. حضرت رسول اکرم ﷺ بقدری پای‌بند این امر بود که حتی در روزهای کسالت و بیماری نیز به دقت آن را مراعات می‌کرد.

۲- عدالت در تأمین مخارج و غیره:

بر مردان لازم است از نظر منزل، خوراک و پوشاک و غیره برابری را رعایت نمایند، و هرگز نباید به دلیل اینکه یکی را بیشتر دوست دارند، بر دیگری ترجیح بدهند.

۳- عدم مقایسه میان دو هوو:

از آنجائی که هر انسانی دارای ویژگیهای خاص خود است و قرائح و طبایع هر یکی با دیگری تفاوت دارد، طبعاً شاید یک همسر پسندیده‌تر از دیگری باشد. در چنین صورتی اگر شوهر از هر دو همسر انتظار مساوی داشته باشد، و آنگهی خوبیهای یکی را به رخ دیگری بکشد و او را تحقیر نماید؛ مسلماً چنین برخوردی باعث یأس و افسردگی شده و شریک زندگی را می‌آزارد و حیات را در کام وی تلخ می‌گرداند.

۴: اجرای عدالت در میان فرزندان:

در این مسأله تردیدی نیست که دین اسلام به مردان اجازه داده است چنانچه بخواهند می‌توانند با چهار زن ازدواج نمایند: «فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنی و ثلاث و رباع»^(۱)؛ با زنان دیگری که برای شما حلالند و دوست دارید، با دو یا سه یا چهارتا ازدواج کنید. اما خود قرآن در جایی دیگر تصریح می‌نماید، چنانکه از عهده عدالت برنیاید پس به یکی اکتفاء نمایید: «فان خفتم ان لا تعدلوا فواحدة»^(۲)؛ اگر هم می‌توانید میان زنان دادگری و عدل را مراعات دارید، به یک زن اکتفا کنید.

بهر حال ادای حق همسر چه یکی باشد یا بیشتر از دیدگاه شریعت اسلام بسیار تأکید شده است، و رعایت عدالت بین دو یا چند همسر شرعاً واجب و ضروری است.

حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند:

«من كان له امراتان فلم يعدل بينهما جاء يوم القيامة وشقه مائل»؛ کسی که دو همسر داشته باشد و میان آن دو عدالت ننماید روز قیامت در حالی می‌آید که بخشی از بدنش فلج شده است.^(۳)

عدالت در چه مواردی باید مراعات گردد

۱- عدالت در شب‌گزاری:

بهر
حال ادای حق
همسر چه یکی
باشد یا بیشتر از
دیدگاه شریعت
اسلام بسیار
تأکید شده است،
و رعایت عدالت
بین دو یا چند
همسر شرعاً
واجب و ضروری
است.

۱- نساء: ۳

۲- نساء: ۳

۳- ابوداود، ج: ۲، رقم الحدیث ۲۱۳۳۸.

بسا دیده می شود که شوهر فرزندان همسری را که بیشتر مورد علاقه اوست بر فرزندان همسر دیگر ترجیح می دهد و بسیار اتفاق می افتد که خشم حاصل از همسر را بر فرزندان از آن همسر پیاده می نماید. و گاهی چنان تبعیضهای ناروایی روا می دارد که موجب سرخوردگی و ناامیدی فرزندان می گردد.

حضرت رسول اکرم ﷺ شدیداً از این گونه بی عدالتی ها بر حذر داشته است. امام طبرانی از انس رضی الله عنه روایت می کند که مردی نزد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله حاضر بود پسر آن مرد نزد وی آمد، پدرش فوراً او را بوسید و روی پای خود نشاند، دیری نگذشت که دخترش آمد ولی آن مرد دختر را جلوی خود نشاند؛ وقتی حضرت صلی الله علیه و آله این منظره را دید فرمود: «الا سويت بينهما؟» چرا میان دو فرزندت برابری را رعایت نکردی؟^(۱)

امام بخاری از نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت می کند که پدرش او را نزد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آورد و گفت: یا رسول الله من به این فرزندم برده ای هدیه کرده ام. آنحضرت صلی الله علیه و آله پرسید: ای بشیر آیا فرزندان دیگری داری؟ پدرم عرض کرد: بله! آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: آیا به همه آنها این گونه هدیه ای داده ای؟ پدرم گفت: خیر! آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: پس مرا بر این هدیه گواه بگیر، چه! من بر ظلم و بی عدالتی گواه نمی شوم، سپس فرمود: آیا دوست داری فرزندان در نیکی به شما برابری کنند، پدرم گفت: بله! آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: پس شما هم در حق آنها برابری کنید.

در روایتی دیگر آمده است که فرمود: «اتقوا الله و اعدلوا فی اولادکم»؛ از خداوند بترسید و میان فرزندان عدالت برقرار کنید.^(۲)

عواقب سوء بی عدالتی بر همسران

گر چه توصیه های رسول الله صلی الله علیه و آله مبنی بر اجرای عدالت در میان فرزندان عمومی است، فرقی نمی کند که از یک همسر باشند یا از دو همسر؛ اما واقعیت این است که عواقب بی عدالتی در میان فرزندان همسران مختلف خیلی خطرناک و بسیار بد می باشد.

زیرا در چنین صورتی نه تنها خود فرزندان دچار عقده حقارت شده و نسبت به یکدیگر در دل شان کینه بوجود می آید، بلکه کینه و عقده به مادران شان نیز سرایت می کند. زن وقتی می بیند که شوهرش فرزندان زن دیگر را ترجیح می دهد شدیداً دچار نگرانی و حسادت می گردد، همچنین بدیهی است که برخورد ناعادلانه شوهر در ارتباط با یک همسر، بچه ها را نیز متأثر می سازد.

و اگر این روش ادامه پیدا کند، مشکلات متعدد خانوادگی و کینه های نهفته سر از نقاب بیرون می آورند.

عواقب سوء بی عدالتی بر فامیل طرفین

وقتی خویشاوندان نزدیک زن ببینند که دامادشان در حق این زن و فرزندانش کوتاهی می کند، طبعاً ارتباطشان نخست با شوهر و سپس با فامیل های شوهر ضعیف و کمرنگ می گردد. و رفته رفته این مشکل در ارتباط اجتماعی افراد فامیل عوارض نامطلوبی را بروز می دهد و بر صفا و صمیمیت خانواده ها و زندگی اجتماعی شان شدیداً لطمه وارد می سازد.

نویسنده این سطور کودکان و نوجوانان متعددی را می شناسد که بر اثر تبعیض های ناروای پدر دچار عقده شده و کم کم به ناهنجاریهای اجتماعی گرفتار گردیده اند و مشکلات فراوانی را برای خود و خانواده و اجتماع بیار آورده اند.

سؤال این است که وقتی پدر که منبع مهر و عطف است، حاضر نیست برای فرزندان پناهگاه باشد فرزندان او به کجا پناه ببرند و پیش چه کسی اشک بریزند.

توسل به سحر و جادو

بسا دیده می شود وقتی زنان از بی عدالتی شوهران به تنگ می آیند به سحر و جادو پناه می برند و به افراد افسونگر و دعانویس مراجعه می نمایند، و جادوگران و دعانویسان حرفه ای فرصت را مغتنم شمرده در مقابل أخذ مبلغ های کلان، از طرفی دنیا

✓ وقتی

پدر که منبع مهر و عطف است،

حاضر نیست

برای فرزندان

پناهگاه باشد

فرزندان او به

کجا پناه ببرند و

پیش چه کسی

اشک بریزند.

و آخرت خود را تباه می سازند و از طرفی به بدبینی و بی اهمادی طرفین اضافه می کنند.

بدین طریق خرافات و اختلافات در جامعه شیوع می یابد، و امنیت و عزت خانواده ها شدیداً لطمه می بیند. آرامش و آسایش افراد بهم می خورد و زندگی در کام شان تلخ می گردد و سلسله پریشانیها ادامه می یابد. و بسا شده که نوبت به جدایی و طلاق و گاهی به قتل و خونریزی می انجامد.

علاج و درمان

تنها راه درمان این است که شوهران از خدا بترسند و به عوارض و عواقب ناگوار دنیوی و اخروی بی عدالتی فکر کنند. از طرفی خود زنان نیز وارد میدان شوند و اجازه ندهند که شوهران به خاطر آنها و فرزندانشان بر دیگران ظلم روا دارند و بترسند از اینکه مبدا دود بی عدالتی روزی به چشم خود آنها برود و آتش ظلم، خشک و تر را بسوزد. راستی اگر زنان و فرزندان بالغ و فهمیده چنین شهامتی را از خود نشان دهند قطعاً عزت و سربلندی دنیا و نجات و رستگاری در آخرت از آن آنان خواهد گردید.

حقوق عموم مسلمانان

از دیدگاه قرآن و حدیث همه مسلمانان با هم برادرند. چنانکه صریحاً می فرماید: «انما المؤمنون اخوة»؛ همانا مومنان برادر یکدیگرند.

اخوت ایمانی رشته مستحکمی است که کلیه مسلمانان را به یکدیگر پیوند می دهد. بر مسلمانان است که از این رشته مستحکم محافظت نمایند و قدر آن را بدانند. زیرا رشد و شکوفائی مسلمین فقط در سایه اخوت ایمانی امکان پذیر است و بدون آن زندگی در کام هر مسلمانی تلخ می گردد.

خداوند متعال برای حفظ اخوت ایمانی و برادری اسلامی دستورات اکیدی صادر فرموده، آن حضرت ﷺ در احادیث بیشماری به اهمیت این موضوع تاکید نموده و از هر آنچه این اخوت را ضربه بزند مسلمانان را بر حذر داشته است. به همین دلیل شناخت و سپس رعایت حق هر مسلمان بر مسلمان دیگر لازم می باشد.

حقوق

آن حضرت ﷺ فرمود:

«حق المسلم على المسلم بيت، اذا لقيته فسلم عليه و اذا دعاك فاجبه و اذا استصحبك فاصح له و اذا عطس فحمد الله فشمته و اذا مرض فعده و اذا مات فاتمه»^(۱)؛ هر مسلمانی بر مسلمان دیگر شش حق دارد:

۱- هرگاه مسلمانی را ملاقات کردید به او سلام بگویید؛

۲- چون شما را دعوت کرد دعوتش را قبول کنید؛

۳- هرگاه از شما درخواست نصیحت کرد در حق او خیرخواهی و نصیحتش کنید؛

۴- اگر عطسه زد و «الحمد لله» گفت در جوابش «یرحمک الله» (الله بر شما رحم کند) بگوید؛

۵- هرگاه بیمار شد به احوالپرسی و عیادتش بروید؛

۶- چون از دنیا رحلت کرد، در تشییع جنازه اش شرکت کنید.

اهمیت حقوق مذکور

(۱) فضیلت سلام:

حضرت رسول ﷺ فرمودند: «ان اولی الناس بالله من بدأهم بالسلام»^(۲)؛ نزدیکترین مردمان به الله کسی است که آغازگر سلام باشد.

سلام وسیله افزایش محبت است.

حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: «والذی نفسی بیده لا تدخلون الجنة حتی تؤمنوا و لا تؤمنوا حتی تحابوا افلا ادلکم علی امر اذا فعلتموه تحاببتم؛ أفتشوا السلام بینکم»^(۳)؛ به کمال ایمان نمی رسید مگر اینکه یکدیگر را دوست داشته باشید. آیا شما را به کاری دلالت نکنم که اگر آن را انجام دادید یکدیگر را دوست خواهید داشت [و آن این است که] سلام را میان خود رواج دهید.

جواب سلام

خوانندگان عزیز توجه داشته باشند همانطور که سلام دادن سنت و حق مسلمان است، جواب سلام

۱- صحیح مسلم، رقم الحدیث: ۲۱۶۲.

۲- ابوداود، ج: ۳، رقم الحدیث: ۵۱۹۷.

۳- صحیح مسلم، کتاب الایمان، رقم الحدیث: ۱۹۰.

✓ تنها راه
درمان این است
که شوهران از
خدا بترسند و به
عوارض و
عواقب ناگوار
دنیوی و اخروی
بی عدالتی فکر
کنند.

گفتن نیز حق مسلمان است.

نداشته باشد نباید از قبول دعوت امتناع ورزد.

(۳) نصیحت و خیرخواهی

حق سوم در حدیث مذکور نصیحت و خیرخواهی ذکر شده است. خیرخواهی و نصیحت اساس دین است. حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: «الدین النصیحة»^(۲)؛ دین عبارت است از خیرخواهی.

مسلمانی که خیرخواه دیگران نیست و برای سعادت دیگران فکر نمی‌کند و موقع نیاز کسی را به سوی خیر راهنمایی نمی‌کند و به دردش نمی‌خورد، چنین مسلمانی یا خود غرض است یا بی تفاوت، که در هر صورت در اسلام او نقص وجود دارد.

نصیحت و خیرخواهی نسبت به مسلمان در هر وقت لازم است، اما هرگاه یک مسلمان از مسلمان دیگر طلب نصیحت کند آنگاه اهمیت نصیحت چندین برابر می‌گردد.

توجه: گاهی ممکن است فردی که احتیاج به نصیحت و خیرخواهی دارد خودش این احتیاج را چندان احساس نکند، اما اگر مسلمانان دیگر می‌دانند و می‌بینند که حالت وی مقتضی و نیازمند به نصیحت و خیرخواهی است در این صورت حق هر مسلمان است که نسبت به برادر مسلمانش بی تفاوت نشیند، بلکه با دلسوزی و صمیمیت او را دریابد، به او مشورت دهد و او را نصیحت کند. یکی از مشخصه‌های مهم جامعه سالم وجود ناصحان بی غرض و مخلصان دلسوز در آن جامعه است.

سلف صالح گفته‌اند: «لا خیر فی قوم لیسوا بناصحین و لا خیر فی قوم لایحبون الناصحین»؛ ملتی که ناصح یکدیگر نیستند در آنها خیری وجود ندارد، کما اینکه ملتی که ناصحان را دوست نداشته باشند هم دارای خیر نیستند.

(۴) دعای خیر هنگام عطسه زدن مسلمان

چهارمین حق در حدیث مذکور این ذکر شده که اگر مسلمانی عطسه زد و «الحمد لله» گفت، در جوابش باید «یرحمک الله» گفته شود؛ معنایش این است که خداوند شما را مورد لطف و مهربانی قرار دهد.

شیوه جواب باید بهتر از شیوه سلام باشد

خداوند متعال می‌فرماید:

«و اذا حییتهم بتهنئة فحیوا بأحسن منها او ردوها»^(۱)؛ هرگاه به شما سلام گفته شد، سعی کنید به شیوه‌ای بهتر جواب دهید یا حداقل مانند آن را پاسخ دهید. شخصی که آغاز سلام می‌کند نگاه می‌کند که طرف مقابل چگونه برخورد می‌نماید، چه واکنشی نشان می‌دهد؛ آیا برای او اهمیتی قایل است یا خیر؟

وقتی طرف مقابل با بیحالی و سردی پاسخ بدهد طبعاً سلام گوینده آزرده خاطر می‌گردد، ولی هر گاه طرف مقابل با گرمی و نشاط و با کلماتی بهتر جواب سلام را بدهد این شیوه جواب دادن محبت طرف دیگر را تحریک می‌نماید و او را خوشبین می‌سازد، این جا است که بذر محبت در میان طرفین پاشیده می‌شود و سلام وسیله افزایش محبت و ازدیاد دوستی می‌گردد و روابط اجتماعی مستحکم می‌شود.

(۲) پذیرفتن دعوت:

دومین حق در حدیث مذکور قبول کردن دعوت ذکر شده است.

بنابر تجربه انسان در دو وقت پی می‌برد که چه کسی او را مورد توجه قرار می‌دهد، یکی در موقع خوشحالی و شادمانی، دوم به هنگام غم و پریشانی؛ آری هر انسانی خواهان مشارکت دوستان و عزیزانش در این دو وقت است.

در مواقع خوشی دوستان و عزیزانش را دعوت می‌کند و انتظار دارد که دعوت او پذیرفته شود، او شرکت دیگران را در دعوتش برای خود مایه عزت و سربلندی می‌داند. چنانچه نسبت به دعوت او بی‌اعتنایی صورت بگیرد ناراحت می‌شود و در دلش احساس تنهایی و بی‌کسی می‌کند، مخصوصاً اگر دعوت کننده از نظر موقعیت اجتماعی و ثروت و علم و غیره در درجه پایین‌تری قرار داشته باشد عدم شرکت عزیزان و اهل تعلق را، بیشتر احساس می‌نماید. این جاست که حضرت رسول ﷺ تاکید می‌فرماید که باید مسلمان دعوت برادر مسلمانش را بپذیرد و تا زمانی که عذر شرعی و موجهی

✓ هرگاه

- طرف مقابل با گرمی و نشاط و با کلماتی بهتر جواب سلام را بدهد این شیوه جواب دادن محبت طرف دیگر را تحریک می‌نماید و او را خوشبین می‌سازد.

عموماً در ادای این حق غفلت به نظر می آید، متأسفانه کمتر کسی است که هنگام عطسه الحمد لله را بگوید و از دیگران جواب یرحمک الله بشنود، در صورتیکه در این مورد خیلی تأکید شده است. آن حضرت ﷺ فرمودند: «و اذا عطس احدکم فحمد الله فحق علی کل مسلم سمعه ان يقول یرحمک الله»^(۱).

به ظاهر این مسأله چندان بزرگ نیست. اما اگر نیک بیندیشیم معلوم می شود دین اسلام برای یک مسلمان بقدری اهمیت قایل است که نمی خواهد حتی عطسه و الحمد لله گفتنش را بی پاسخ ببیند. وقتی بی تفاوت شدن هنگام عطسه مسلمان قابل تحمل نیست پس چه مجوزی دارد که اگر یک مسلمان دچار مشکلات گردد مسلمانان دیگر فقط تماشاچی باشند و اقدامی نکنند و صرفاً به تحلیل و اظهار نظر بسنده نمایند.

عیادت مریض و اهمیت آن

پنجمین حق در حدیث مذکور عیادت مریض عنوان شده است. هنگامی که یک انسان مریض می شود عموماً دلش شکسته می گردد و خود را نیازمند به خدمت و احوالپرسی دیگران می بیند. بیماری برای یک مسلمان باعث خیر و رحمت است، الطاف پروردگار در حالت بیماری به سوی انسان، متوجه می شود. خداوند متعال نیز دوست دارد که بندگان به فرد بیمار توجه کنند، از حالش بپرسند، نسبت به وی همدردی نمایند و او را تنها نگذارند. در حدیث قدسی آمده است:

«حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: روز قیامت خداوند متعال می گوید: «ای فرزند آدم! بیمار شدم مرا عیادت نکردی؟» بنده می گوید: پروردگارا! چگونه تو را عیادت کنم، که تو پروردگار جهانیان هستی. الله عزوجل می فرماید: «آیا نمی دانی که فلان بنده من مریض بود و اگر تو او را عیادت می کردی، مرا نزد او می یافتی.»^(۲)

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «ما من مسلم یعود مسلماً غدوة الا صلی علیه سبعون الف ملک حتی یمسی و ان عاده عشية الا صلی علیه سبعون الف

ملک حتی یصبح و كان له خریف فی الجنة»^(۳)؛ هرگاه یک مسلمان هنگام صبح برادر مسلمانش را عیادت کند، از صبح تا شب هفتاد هزار فرشته برای او دعای خیر می کنند، و اگر شب عیادت کند از شب تا صبح هفتاد هزار فرشته برای او دعای خیر می کنند و برای او باغی در بهشت مهیا می گردد.

رعایت آداب عیادت

بدون تردید عیادت بیمار حق او است اما لازم است هنگام ادای این حق مهم آداب عیادت رعایت شود. زیرا در صورت عدم رعایت آداب، بجای ادای حق، گاهی اتلاف یک حق دیگر صورت می گیرد. (۱) بر عیادت کنندگان لازم است که وقتی را برای عیادت مریض در نظر بگیرند که به استراحت و آرامش وی خللی واقع نشود.

بعضی از مردمان فقط می نگرند که آنها چه وقت وقت دارند اما حال مریض را در نظر نمی گیرند، فکر نمی کنند که مریض چه وقتی خواب است و چه وقتی در یک حالت نامناسب قرار دارد که شاید در آن وقت عیادت را نپسندد.

در این خصوص هماهنگی لازم با خدمتگزاران مریض مشکل را حل می کند.

(۲) کوتاه نمودن مدت عیادت:

یکی از آداب مهم عیادت بیمار این است که عیادت کننده نزد بیمار زیاد ننشیند، زیرا نشستن طولانی باعث زحمت بیمار می گردد.

ممکن است بیمار به استراحت و طهارت نیاز داشته باشد، ولی نمی تواند به عیادت کننده چیزی بگوید در نتیجه اذیت می شود. البته اگر شخصی از قراین تشخیص می دهد که بیمار ناراحت نمی شود بلکه برعکس خوشحال می گردد آنگاه طولانی کردن عیادت اشکالی ندارد.

(۳) امیدوار ساختن بیمار به شفا و طول عمر:

بر عیادت کننده لازم است بیمار را نسبت به شفاء و بهبود یافتن حالش امیدوار کند، او را به صبر و استقامت توصیه نماید، و از بیان کردن هرگونه

✓ اگر

نیک بیندیشیم معلوم می شود دین اسلام برای یک مسلمان بقدری اهمیت قایل است که نمی خواهد حتی عطسه و الحمد لله گفتنش را بی پاسخ ببیند.

۱- بخاری و مسلم.
۲- صحیح مسلم به نقل از نبی رحمت.
۳- ترمذی.

مطلبی که مایه نگرانی و یأس او می شود پرهیز کند. آن حضرت علیه السلام فرمودند: «اذا دخلت علی مریض فنفسوا له فی اجله فان ذلک لا یرد شیئاً و یطیب نفسه»^(۱)؛ هرگاه به احوالپرسی مریض رفتید او را به طول عمر امیدوار سازید، گرچه این کار شما تقدیر را بر نمی گرداند اما باعث خوشحالی بیمار خواهد شد.

(۴) دعا برای مریض هنگام عیادت و طلب دعا از وی:

امام بخاری در الأدب المفرد از ابن عباس روایت می کند که هرگاه نبی اکرم صلی الله علیه و آله به عیادت مریض می رفتند در کنار سرش می نشستند و هفت بار می گفتند: «أسأل الله العظیم رب العرش العظیم ان یشفیک»؛ از الله بزرگ پروردگار عرش عظیم مسئلت دارم که بیماریت را شفا بخشد.

آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر اجل شخص فرا نرسیده باشد شفا می یابد.

امام ابن ماجه از حضرت عمر رضی الله عنه روایت می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اذا دخلت علی مریض فمره فلیدع ذلک، فان دعائه کدعاء الملائكة»؛ هرگاه به عیادت بیماری رفتید از او بخواهید که برایتان دعا کند زیرا دعای بیمار مانند دعای ملائکه است.

تشیع جنازه:

ششمین حق در حدیث، تشیع جنازه عنوان شده است.

هر مسلمانی آرزو دارد که برادران مسلمانش او را به خیر و خوبی یاد کنند. مغفرتش را از الله مسئلت نمایند و در مراسم جنازه و خاک سپاریش شرکت کنند. و با بازماندگانش همدردی نموده آنها را به صبر و بردباری توصیه نمایند.

اسلام نیز برای این مسئله اهمیت قایل شده و این کارها را بعنوان حق میت برگردن مسلمانان دیگر لازم کرده است. اما متأسفانه در جامعه کنونی و مخصوصاً در زندگی شهری به این حق کمتر توجه می شود.

اغلب دیده می شود که مردم مسلمان فقط در جنازه کسی شرکت می کنند که بازماندگان وی صاحب نام و مقام باشند و بترسند مبادا گلایه نمایند، و با وی

نیز چنان رفتار کنند. در صورتیکه ملاحظه می فرمایید، شرکت در جنازه، حق میت است، او که خودش دیگر بر نمی گردد تا تشکر نماید و یا پاداشی بدهد اما پروردگارش که از زبان رسول الله صلی الله علیه و آله این حق را برای وی قایل شده، نگاه می کند چه کسی حق میت را ادا کرده و چه کسی کوتاهی کرده است.

فضیلت تشیع جنازه

ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند: آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: «من تبع جنازة فصلی علیها ثم انصرف فله قیراط من الاجر و من تبعها فصلی علیها ثم قعد حتی یفرغ من دفنها فله قیراطان من الاجر کل واحد منهما اعظم من احد»^(۲)؛ هر کسی با جنازه ای همراه شود و بر آن نماز بخواند و برگردد به اندازه یک قیراط به او اجر و ثواب می رسد. و هر کسی بر جنازه نماز بخواند و بنشیند تا مراسم تدفین به پایان برسد به او دو قیراط از اجر می رسد، و هر کدام از قیراطها بزرگتر از کوه احد خواهد بود.

شرکت در نماز جنازه فرض کفایه است و انتظار کشیدن تا پایان دفن علاوه بر اینکه ثواب بی شماری دارد و جزء حقوق میت است باعث تسکین و تسلی خاطر بازماندگان نیز می گردد و بر روابط اجتماعی نیز تأثیر بسیار مثبتی می گذارد.

... ادامه دارد

هرگاه

به احوالپرسی مریض رفتید او را به طول عمر امیدوار سازید، گرچه این کار شما تقدیر را بر نمی گرداند اما باعث خوشحالی بیمار خواهد شد.